

۱۳۳۹۷۱۸

سج

سردار بی بی مریم بختیاری

سردار آزادی

به روایت اسناد منتشر نشده

www.ketab.ir

پژوهش و تألیف

دکتر پریچهر سلطانی زراسوند

تهران - ۱۳۹۴

سرشناسه: سلطانی خراجی، پریچهر، ۱۳۴۰ -
 عنوان و پدیدآور: سردار بی بی مریم بختیاری، سردار آزادگی (به روایت اسناد منتشرنشده) /
 پژوهش و تألیف پریچهر سلطانی زراسوند.
 مشخصات نشر: شهر کرد، ایل دخت بختیاری، ۱۳۹۴.
 مشخصات ظاهری: ۵۶۴ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۶۳۲-۰۰-۳
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۳۸۱ - ۳۹۰.
 موضوع: بختیاری، مریم، ۱۲۵۰-۱۳۱۳
 موضوع: ایران -- تاریخ -- قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۲۴۴ق.
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ س ۸ ب ۳ / DSR ۱۳۹۱
 رده بندی دیویی: ۹۵۵ / ۰۷۴۵۰۹۲
 شماره کتاب شناسی ملی: ۳۶۳۴۵۹۱

سردار بی بی مریم بختیاری سردار آزادگی (به روایت اسناد منتشرنشده)

- ناشر: ایل دخت بختیاری
- پژوهش و تألیف: دکتر پریچهر سلطانی زراسوند
- ویراستار تاریخی: حسین علی خدابخشی شلمزاری
- پردازش رایانه ای متن: مهندس نرگس خدابخشی شلمزاری
- نمایه نگار: مهندس داوود خدابخشی شلمزاری
- صفحه آرا: هاجر حسن زاده سورشجانی
- خدمات فنی: محمد قاسمی
- طراحی جلد و پردازش تصاویر: کریم منزوی
- لیتوگرافی: ترام اسکتر
- چاپ: کتیبه
- صحافی: تک
- شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
- چاپ اول: ۱۳۹۴

ISBN: 978-600-95632-0-3

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۶۳۲-۰۰-۳

تلفن: ۰۳۸-۳۲۲۴۰۵۳۲ همراهِ: ۰۹۱۳۱۸۱۴۹۳۸ Email: Soltani20@gmail.com

■ کلیه حقوق این اثر متعلق به مؤلف و محفوظ است. هرگونه استفاده از مطالب، اسناد و تصاویر این کتاب اعم از زیراکس، بازنویسی، تکثیر یا تهیه فیلم و نرم افزار، بدون کسب اجازه و ذکر منبع، ممنوع و قابل تعقیب قانونی است.

Printed in The Islamic Republic of IRAN

فهرست

□ صفحه

□ عنوان

فرمایشات رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران در مورد بختیاری، علی مردان خان و	
سردار بی بی مریم	۲۱
مقدمه مؤلف	۲۵
مقدمه دکتر کیانوش کیانی هفتلنگ	۳۱

■ نقد و بررسی منابع و مآخذ

الف) کتاب‌ها، خاطرات، سفرنامه‌ها و روزنامه‌ها	۴۱
ب) سفرنامه‌ها	۴۶
ج) اسناد	۴۷
د) روزنامه‌ها و مجله‌ها	۴۷

■ بخش اول: زندگی، خاندان و ویژگی‌های اخلاقی

فصل اول: بی بی مریم، اجداد و خاندان	۴۹
۱. زندگی‌نامه	۴۹
۲. اجداد بی بی مریم از زبان سردار اسعد	۵۱

۵۱	۳. شجره‌نامه
۵۶	شرح اسامی مندرج در شجره‌نامه مادری
۵۶	۴. بی‌بی فاطمه مادر بی‌بی مریم
۵۷	۵. علی‌رضا خان (پدربزرگ مادری بی‌بی مریم)
۵۹	۶. چهارلنگ محمود صالح
۶۰	۷. حسین‌قلی خان ایلخانی پدر بی‌بی مریم
۶۰	الف) حسین‌قلی خان ایلخانی از زبان بی‌بی مریم
۷۰	ب) معرقی ایلخانی پدر بی‌بی مریم، از زبان سردار اسعد
۷۳	ج) حسین‌قلی خان ایلخانی از زبان ظل‌السلطان
۷۸	د) تحریف حقایق و ظلم و ستم ظل‌السلطان از زبان بی‌بی مریم
۸۰	ه) نظر دکتر ویلز در مورد حسین‌قلی خان
۸۰	و) نظر حاج میرزا عبدالغفار نجم‌الملک در مورد حسین‌قلی خان ایلخانی
۸۴	۸. علی‌قلی خان سردار اسعد برادر مورد علاقه بی‌بی مریم
۸۵	الف) زندگی‌نامه
۸۷	ب) نقش سردار اسعد در جنبش مشروطیت
۹۲	ج) خدمات اجتماعی و فرهنگی سردار اسعد
۹۴	د) علی‌قلی خان سردار اسعد به قلم کمال‌الملک
۹۵	ه) همکاری با مجامع آزادی‌خواهی
۹۸	و) وزارت داخله
۹۸	ز) وزارت جنگ
۹۹	ح) نیابت سلطنت
۱۰۰	ط) سردار اسعد خواهان وحدت و فرهنگ‌دوست
۱۰۱	ی) کتیبه سردار اسعد
۱۰۲	ک) قلعه جوتقان
۱۰۲	ل) درگذشت
۱۰۲	م) خورشید سرخ

۱۰۳	۹. شهید علی مردان خان فرزند برومند بی بی مریم
۱۰۳	(الف) مشروطه، جنگ جهانی اول، کسب تجربه
۱۰۴	(ب) قیام علی مردان خان
۱۱۶	(ج) فرجام قیام
۱۱۹	(د) مخالفت خوانین با علی مردان خان
۱۲۰	(ه) علی مردان خان در کتاب‌ها
۱۲۵	(و) علی مردان خان در شعر شاعران
۱۲۸	(ز) ستاره بختیاری

□ فصل دوم: کودکی و نوجوانی بی بی مریم

۱۳۱	۱. خواهران و برادران
۱۳۱	۲. بیان خاطرات تلخ و شیرین کودکی و درس خواندن

□ فصل سوم: جنبه‌های مختلف شخصیت بی بی مریم

۱۳۹	۱. ایمان
۱۳۹	۲. عدم وابستگی به مال دنیا
۱۴۰	۳. شجاعت
۱۴۳	(الف) شجاعت در جنگ‌های خانوادگی (جنگ علی قلی خان با برادران)
۱۴۶	(ب) شجاعت در مواجهه با طبیعت
۱۴۹	(ج) شجاعت در جنگ با قشون سردار ظفر و برادران
۱۵۵	(د) شجاعت در جنگ بین الملل اول
۱۵۵	۴. آزادیخواهی و آرزوی اعتلای وطن
۱۵۵	(الف) تأثیر پدر و برادران بر بی بی مریم
۱۵۶	(ب) حزب ستاره بختیاری و بی بی مریم
۱۵۸	(ج) استبداد قاجار و بی بی مریم
۱۵۹	(د) انتقاد از مصرف‌گرایی زنان و بی بی مریم
۱۶۰	(ه) سلطان یعنی نوکر مردم

- و) آرزوی تمدن و آزادی ایران..... ۱۶۱
۵. بخشندگی و سخاوت..... ۱۶۲
- الف) کمک مالی بی‌بی مریم به نیازمندان در جنگ بین‌الملل اول..... ۱۶۲
- ب) در مواجهه با خواهران..... ۱۶۳
- ج) در مواجهه با زن ایلخانی ایل سگوند..... ۱۶۴
- د) در هنگام جنگ خانوادگی در سورشجان..... ۱۶۵
- ه) برای جلب رضایت ایل..... ۱۶۶
۶. مطالعه..... ۱۶۶
- الف) مطالعه کتاب‌های تاریخ و زمان جدید..... ۱۶۶
- ب) مطالعه تاریخ عضدی..... ۱۶۷
- ج) تحت تربیت علی‌قلی خان سردار اسعد..... ۱۶۷

□ فصل چهارم: ازدواج‌های بی‌بی مریم و وفاداری او به خانواده ۱۶۹

۱. ازدواج‌های سیاسی و مصلحتی..... ۱۶۹
- الف) ازدواج با علی‌قلی خان چهارلنگ..... ۱۶۹
- ب) عقد مصلحتی با خان چهارلنگ موگویی و جنگ خانمانسوز..... ۱۷۱
- ج) بی‌بی مریم و خواستگاران متعدد..... ۱۷۳
- د) ازدواج جنجالی بی‌بی مریم با فتح‌الله خان ضعیف‌السلطنه..... ۱۷۶
۲. دشواری زندگی خانوادگی بی‌بی مریم..... ۱۸۴
۳. بی‌بی مریم و اصرار بر طلاق..... ۱۸۵
۴. وساطت سردار اسعد برای جلوگیری از طلاق..... ۱۸۶
۵. وفاداری به همسر..... ۱۸۸
- الف) دفاع از املاک شوهر و ایستادگی در برابر برادران..... ۱۸۹
- ب) پیشگیری از پناه بردن فتح‌الله‌خان به دشمنان و مدیریت بحران..... ۱۹۰

□ فصل پنجم: بی بی مریم و دفاع از حقوق زنان ۱۹۵

۱. استفتاء مهم بی بی مریم از علماء اعلام و پاسخ آن‌ها در مورد ارث زنان. ۱۹۶
۲. انتقاد از پرده‌نشینی زنان. ۱۹۷
۳. انتقاد از نداشتن حق طلاق. ۱۹۸
۴. انتقاد از کار نکردن در اجتماع و مقایسه با زنهای اروپایی. ۱۹۹
۵. انتقاد از بی پناه بودن زنان بعد از مرگ همسر. ۲۰۰
۶. انتقاد از ازدواج اجباری به دلیل نداشتن ارث و پشتیبان قانونی. ۲۰۰
۷. انتقاد از توجه زنان به ظواهر فریبنده. ۲۰۱
۸. انتقاد از ناآگاهی زنان. ۲۰۲
۹. آرزوی قانون نویسی شدن برای زنان به کمک همسر. ۲۰۳
۱۰. انتقاد از عدم اجرای قوانین اسلام. ۲۰۴
۱۱. طرح مسئله روسپیان. ۲۰۴
۱۲. اعتقاد به عفت و نجابت. ۲۰۵
۱۳. انتقاد از ندادن حق الارث زنان در بختیاری. ۲۰۶

□ فصل ششم: بی بی مریم مادری مهربان، استوار، نستوه و داغدار ۲۰۹

۱. سهراب خان، محمد علی خان و علی مردان خان. ۲۰۹
۲. مصطفی قلی خان. ۲۱۰
- ترور نافرجام مصطفی قلی خان در اصفهان. ۲۱۱
۳. سوء قصد به جان مصطفی قلی خان. ۲۱۳
۴. مرگ مظلومانه دختر شش ساله بی بی مریم. ۲۱۶
۵. پسر دو ماهه بی بی مریم، کشته ظلم برادرها. ۲۱۷

□ فصل هفتم: بی بی مریم، زنان و دختران ایلخانی، قربانیان هفت سال،

جنگ و در بدری و اسارت ۲۲۳

۱. زنان و کودکان ایلخانی در دست مأموران ظل السلطان. ۲۲۴
۲. نبرد بی بی شیرین دختر ایلخانی با مأمور ظل السلطان. ۲۲۶

۳. بی بی مریم و حفظ حرمت خواهران ۲۲۷
۴. آوارگی بی بی مریم و زنان و دختران ایلخانی در سرتشنیز ۲۲۹

□ فصل هشتم: بی بی مریم و ایجاد وحدت میان برادران ۲۳۳

■ بخش دوم: انقلاب مشروطه و جنگ بین الملل اول ۲۳۷

□ فصل اول: انقلاب مشروطه و بی بی مریم ۲۳۷

۱. آزادیخواهی خاندان بی بی مریم ۲۳۷
۲. ستایش آزادیخواهی ستارخان و باقرخان به روایت بی بی مریم ۲۴۰
۳. اتحاد علمای نجف، حاج شیخ نورالله و مجاهدین بختیاری ۲۴۱
۴. نطق غرّای سردار اسعد، در برابر مخالفت سردار محتشم و امیرمفتح با آزادیخواهان ۲۴۴
۵. مشروطه و تصمیم گیری عموزاده ها و برادران بی بی مریم ۲۴۵
۶. متحد کردن بختیاری برای فتح تهران، توسط سردار اسعد ۲۴۶
۷. قلعه سورشجان (قلعه بی بی مریم) اولین منزل قشون بختیاری مشروطه خواه ۲۴۷
۸. خطابه بی بی مریم در مقابل سردار اسعد، هنگام حرکت آزادیخواهان و پاسخ ایشان ۲۴۸
۹. موضع گیری عموزادگان و برادران برای فتح تهران و رهبری سردار اسعد ۲۴۹
۱۰. ارتباط بی بی مریم با تاج السلطنه (دختر ناصرالدین شاه) و مشروطه خواهان ۲۵۱
۱۱. روایتی از مشروطه ۲۵۳
۱۲. نقش بی بی مریم در مشروطه به روایت اسناد و کتاب ها ۲۵۴
۱۳. روایت ابوالفتح اوژن از بی بی مریم و مشروطه ۲۵۵
۱۴. تلگراف تاریخی بی بی مریم به همسرش فتح الله خان ۲۵۶
۱۵. مدیریت سیاسی بی بی مریم، پس از مشروطه به روایت آیت الله پسندیده ۲۶۰

۲۶۳	□ فصل دوم: جنگ بین الملل اول و بی بی مریم
۲۶۳	۱. آغاز جنگ و بی طرفی ایران
۲۶۵	۲. بهانه آغاز جنگ بین الملل اول و تأثیر آن در ایران
۲۶۶	۳. جنگ بین الملل اول و امپراطوری عثمانی
۲۶۶	امپراطوری عثمانی و جنگ جهانی اول
۲۶۸	۴. عثمانی ها متحد آلمان
۲۶۸	۵. تقسیم ایران به دو منطقه نفوذی و ورود روسیه به ایران
۲۷۳	۶. هفتم محرم ۱۳۳۴ ه. ق روز مهم تصمیم گیری دولت ایران
۲۷۴	۷. تشدید فعالیت آلمان در ایران
۲۷۵	۸. فتوای جهاد علماء، علیه روس و انگلیس و کفار حربی
۲۷۶	۹. تصمیمات و فتوای آخوند خراسانی
۲۷۹	۱۰. درخواست علما از فرانسه، آلمان و انگلیس برای پیشگیری از جنگ
۲۷۹	سندی تاریخی از علما
۲۸۰	۱۱. فتوای علماء برای وحدت و کنار گذاشتن اختلافات داخلی
۲۸۰	۱۲. لزوم اتحاد عمومی برای مقابله با دشمن
۲۸۱	۱۳. فتاوی مراجع تقلید درباره جهاد
۲۸۱	۱۴. استفتاء از آیت الله شیرازی
۲۸۲	۱۵. پاسخ آیت الله شیرازی به استفتاء
۲۸۲	۱۶. پاسخ آیت الله حاج سیدمصطفی کاشانی به استفتاء
۲۸۳	۱۷. فتوای حاجی آقا نورالله علیه روس
۲۸۴	۱۸. تهدید وطن پرستان و آزادیخواهان توسط روس
۲۸۶	۱۹. رودلف کاردرف
۲۸۹	۲۰. سیاستهای فن کاردرف
۲۹۱	۲۱. ملاقات کاردرف با خوانین
۲۹۱	۲۲. حمایت سردار اسعد از آلمان
۲۹۲	۲۳. علت حمایت ایرانیان از آلمان
۲۹۳	۲۴. ایجاد نفاق

۲۹۳	۲۵. دخالت انگلیس و انتقام‌گیری از بختیاری
۲۹۴	۲۶. واسموس و بی‌بی مریم
۲۹۵	۲۷. شارژ دافر آلمان و بی‌بی مریم در دهکرد
۲۹۵	حادثه سال ۱۳۳۴ قمری در چهارمحال و آلمان‌ها
۲۹۷	۲۸. روس‌ها در اصفهان
۲۹۹	۲۹. بی‌بی مریم، رهبر سربازان آلمانی
۳۰۰	۳۰. انگلیس در اصفهان
۳۰۱	۳۱. ابلاغیه روس علیه بی‌بی مریم
۳۰۲	۳۲. عثمانی در جنگ بین‌الملل
۳۰۵	۳۳. عهدنامه نظام‌السلطنه و انور پاشا، ۲۲ رجب ۱۳۳۴
۳۰۵	۳۴. انور پاشا
۳۰۶	۳۵. سلطان محمد پنجم

□ فصل سوم: بی‌بی مریم و بختیاری، پناهگاه وطن‌پرستان و مخالفان

۳۰۹	روس و انگلیس
۳۰۹	۱. شرایط کلی کشور
۳۱۰	۲. آغاز مهاجرت
۳۱۱	۳. مهاجران در پناه بی‌بی مریم
۳۱۱	الف) کوه‌های بختیاری، آخرین مأمن آزادیخواهان
۳۱۳	ب) توصیف مهاجرین و نقش بی‌بی مریم از نگاه باستانی پاریزی
۳۱۴	ج) مصدق در چهارمحال بختیاری
۳۱۶	۴. بی‌بی مریم مقابل انگلیس

□ فصل چهارم: وحید دستگردی، سراینده شجاعت بی‌بی مریم ۳۱۹

۱. زندگی‌نامه وحید دستگردی ۳۱۹
۲. شرح وقایع توسط وحید دستگردی ۳۲۱
- الف) فرار از اصفهان به طرف بختیاری ۳۲۱
- ب) ترس یمین السلطنه حاکم اصفهان از بی‌بی مریم ۳۲۲
- ج) فرار شاهزادگان و اعیان اصفهان ۳۲۳
- د) حرکت به سمت بختیاری ۳۲۳
- ه) رفتن به پرادنبه ۳۲۴
- و) شنبه بیستم ۳۲۴
- ز) اقدامات سردار ظفر ۳۲۵
- ح) نظم اردشیر بابکان ۳۲۵
- ط) شش هزار لیبه برای دستگیری مهاجران ۳۲۵
- ی) فرار از دست انگلیسی‌ها و غرق شدن در کارون ۳۲۶
- ک) کتاب سرگذشت اردشیر حاصل حمایت مرتضی قلی خان ۳۲۶
- ل) دستور کاپیتان نول انگلیسی برای دستگیری شارژ دافر ۳۲۷
- م) تصمیم برای تسخیر اصفهان ۳۲۷
- ن) شش هزار لیبه و ماجرای حمله به قلعه بی‌بی مریم در سورشگان ۳۲۷
- س) حمله بی‌بی مریم و هزار سوار برای تسخیر اصفهان و نجات از دست روس‌ها ۳۲۸
- ع) تصرف قلعه و تبعید بی‌بی مریم ۳۲۹
- ف) غارت خانه بی‌بی مریم در اصفهان ۳۳۳
- ص) خلاصه وقایع تا ده روز ۳۳۴
- ق) نقشه انگلیس برای دستگیری مجاهدین و آلمانی‌ها ۳۳۴
- ر) سرنیزه‌های قزاقهای روس در اصفهان ۳۳۶
- ش) پناه بردن فرخی یزدی به بی‌بی مریم ۳۳۷
- ت) منظومه اردشیر بابکان ۳۳۷
- ث) شعر نگاهبانی بی‌بی مریم بختیاری ۳۴۰

۳۴۱	خ) مبارزه بی‌بی مریم با وطن‌فروشان و انگلیس
۳۴۳	ذ) ای مریم مسیح دم
۳۴۳	ض) پیام مردان بختیاری به سردار محتشم در دفاع از بی‌بی مریم
۳۴۵	ظ) نقش آفرینی بی‌بی مریم در جنگ جهانی اول به روایت باستانی پاریزی
۳۴۶	غ) قصیده نارنجک

□ فصل پنجم: جنگ برای وطن و دریافت مدال جنگ و شرف

۳۵۳	۱. کارکرد در اصفهان و کمک بی‌بی مریم
۳۵۶	۲. غارت و مصادره اموال بی‌بی مریم پس از تفوق روس و انگلیس
۳۵۶	الف) صدور بیانیه
۳۵۶	ب) غارت اموال بی‌بی مریم توسط روس
۳۵۷	ج) حمله سردار ظفر به قلعه بی‌بی مریم و غارت اموالش
۳۶۰	۳. پاداش وطن‌پرستی و شجاعت بی‌بی مریم در جنگ جهانی اول
۳۶۰	۴. سرداری بی‌بی مریم
۳۶۱	۵. پاداش فتوت
۳۶۵	مدال‌های امپراطور عثمانی به بی‌بی مریم
۳۶۸	نامه‌ها و اسناد منتشر نشده
۳۶۸	۱. نامه برادرزاده‌اش امیرحسین خان ظفر
۳۶۸	۲. گزارش میدانهای جنگ به بی‌بی مریم
۳۶۹	۳. نامه دبیر سفارت آلمان در مورد میدانهای جنگ به بی‌بی مریم
۳۷۰	۴. نامه امیر مجاهد، برادر بی‌بی مریم در مورد جنگ و یارانش
۳۷۴	۵. نامه مهم امیر مجاهد برادر بی‌بی مریم و اولتیماتوم به وی در
۳۷۴	جریان جنگ جهانی اول
۳۷۶	۶. نامه امیر مجاهد در خصوص مذاکرات جنگ
	۷. نامه امیر مجاهد به بی‌بی مریم و حمله توپ و قشون به قلعه
۳۷۸	بی‌بی مریم
۳۸۰	۸. نامه نظام‌السلطنه مافی (نایب‌السلطنه) به بی‌بی مریم

۹. دریافت مدال جنگی و الماس ۳۸۲
۱۰. اعطای نشان مرصع تمثال امپراطوری به بی بی مریم ۳۸۲
۱۱. اعطای یک قطعه نشان تمثال به بی بی مریم توسط امپراطور آلمان ۳۸۴
۱۲. گل سینه برلیانت، تقدیر امپراطور از بی بی مریم ۳۸۶
۱۳. نامه تشکر فن کاردرف به بی بی مریم ۳۹۰
۱۴. نامه حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی به بی بی مریم ۳۹۳

□ فصل هشتم: بی بی مریم در مکتوبات ۳۹۵

۱. بی بی مریم در خاطرات ۳۹۶
- الف) مونس الدوله، ندیمه حرمسرای ناصرالدین شاه ۳۹۶
- ب) یوسف افشاری، رهبر اعتصاب نفت ۳۹۸
- ج) عباس وحید (برادرزاده وحید دستگردی) ۳۹۸
- د) عبدالحسین شیبانی، آزادیخواه ۴۰۰
۲. بی بی مریم در کتابها ۴۰۱
- الف) باستانی پاریزی ۴۰۱
- ب) ابطحی، نویسنده ۴۰۴
- ج) قائد بختیاری، نویسنده و پژوهشگر ۴۰۴
- د) پروفسور جن. راف. گارثویت، پژوهشگر ۴۰۵
- ه) گرکه، پژوهشگر ۴۰۵
- و) ابراهیم صفایی، پژوهشگر ۴۰۶
- ز) پژمان بختیاری، شاعر، نویسنده و فرزند زاله قائم مقامی ۴۰۷
- ح) سیف الله وحیدنیا، نویسنده و پژوهشگر ۴۰۷
۳. سفرنامه‌ها درباره بی بی مریم چه نوشته‌اند؟ ۴۰۹
- الف) کلود آنه فرانسوی ۴۰۹
- ب) هانری رنه دالمانی فرانسوی ۴۱۱
۴. تصنیف بی بی مریم ۴۱۵
- نامه‌ها و اسناد منتشر نشده ۴۱۶

۱. انتقاد از برادران در یادداشت‌های بی بی مریم ۴۱۶
۲. علاقه سردار اسعد به بی بی مریم ۴۱۶
۳. نامه آلمان به بی بی مریم در خصوص اموال کاردرف ۴۱۸
۴. نامه وزیر مختار آلمان به بی بی مریم در خصوص احقاق حق ۴۲۱
۵. نامه بی بی مریم به همسر نایب قنصل آلمان ۴۲۳
۶. نامه ضیاءالدین هندی به بی بی مریم ۴۲۵
۷. نامه ضیاءالدین به بی بی مریم ۴۲۷
۸. نامه ضیاءالدین به بی بی مریم ۴۲۷
۹. نامه ضیاءالدین به بی بی مریم ۴۲۹
۱۰. نامه وزیر مختار آلمان در خصوص مصطفی قلی خان و جواهرات بی بی مریم ۴۳۲
۱۱. نامه یکی از کارگزاران بی بی مریم در مورد خرید مایحتاج ۴۳۳
۱۲. علاقه بی بی مریم به شعر و یادداشت آن‌ها ۴۳۸
۱۳. نصیحت به فرزند ۴۴۰
۱۴. تلگراف به رضاشاه در مورد وضعیت بی بی مریم ۴۴۰
۱۵. گزارش همکاری بی بی مریم و مرتضی قلی خان ۴۴۴
۱۶. نامه بی بی مریم به شارژ دافر آلمان ۴۴۸

۴۵۱

منابع و مآخذ

- پیوست‌ها ۴۶۳
- نمایه اشخاص ۴۶۵
- نمایه جایها ۴۸۳
- نمایه کتابها و نشریات ۴۹۳

فرمایشات رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران در مورد بختیاری،
علی مردان خان و سردار بی بی مریم^۱

بسم الله الرحمن الرحيم

همین طور که دوستان بیان کردند، بختیاری ها و عموماً لر ها - که در مناطق وسیعی از کشور حضور دارند و زندگی می کنند - جزو بهترین و باوفاترین اقوام ایرانی بودند. البته یکی از امتیازات کشور ما، تنوع اقوام و قومیتها و مانند اینها است؛ و الحمدلله همه هم همین جورند، یعنی انسان وقتی نگاه می کند، اقوام مختلف ایرانی با هم همبستگی و چسبندگی و ارتباط و اتصال و توادد به معنای واقعی دارند؛ در طول تاریخ هم همین جور بوده، زمان ما هم بحمدالله به طور کامل همین جور است.

خب، هر قومی خصوصیتی دارند؛ ما بختیاری ها و لر ها را به صداقت، به صفا، به شجاعت، به غیرت شناختیم. اینها در قبال عقاید اسلامی و عقاید مذهبی و عقاید تشیع، بسیار پایدار و دارای پافشاری و پایداری بودند در طول

زمان، و زمان خود ما هم همین محسوس بوده و این را دیدیم. به سادات چقدر احترام می‌گذارند، به خاندان پیغمبر چقدر احترام می‌گذارند، به طور مطلق به روحانیون چقدر احترام می‌گذارند حالا فرمودند که شخصیت‌های علمی آنجا معروف نشده‌اند؛ لکن من که چند سال قبل از این رفتم شهر کرد، آن‌طور که در ذهنم هست، آنجا با برخی از روحانیون لر و بخصوص بختیاری آشنا شدیم و اینها گفتند و کسانی را هم از شخصیت‌ها اسم آوردند؛ منتها مظلومیت این قوم همین است که حتی شخصیت‌های روحانی‌شان هم شناخته شده نیستند، معروف نیستند؛ خب اینها بایستی جستجو بشود و تلاش بشود. و حالا که شما بحمدالله در این جریان قرار گرفتید، خوب است که کار را ادامه بدهید و بگردید واقعاً شخصیت‌ها را پیدا کنید، منتها آن‌چنان که هستند؛ یعنی دقت بشود که شخصیت‌سازی نشود.

همان‌طور که جناب عالی اشاره کردید کاملاً درست است، خوانین بختیاری همه یک‌جور نبودند؛ بله، آمدند اصفهان و آن کارهای بزرگ انجام گرفت، اما همه یکسان نبودند. مهم‌ترین برجستگی علی‌مردان خان حضور در جنگ بختیاری‌ها در مشروطه نیست - آن‌وقت یک جوانی بوده، هجده نوزده سال یا بیست سالش بوده - مهم‌ترین کارش مبارزه‌ی با رضا خان است که بعد هم دستگیر شد و بعد هم اعدام شد به دست رضا خان. و ایستادگی کرد. البته اشاره کردند آقای رضایی، مادر او - بی‌بی - ضد انگلیسی و ضد بیگانه بوده؛ واقعاً این هم نشان‌دهنده‌ی این است که چگونه تربیت مادر، شخصیت فرزند را اصلاً شکل می‌دهد؛ یعنی این مادر توانست این بچه را این‌جور بار بیاورد که یک شخصیت برجسته‌ای بشود. تجلیل از شخصی مثل علی‌مردان خان و مادر او و شخصیت‌هایی از این قبیل که مبارزه کردند با استبداد و با رضا خان و با سلسله‌ی پهلوی، کار شایسته‌ای است، کار خوبی است.

و جهت‌گیری‌های اینها هم روشن بشود؛ این پرچم «لا اله الا الله» ای که گفتند، به نظر من چیز مهمی است که معلوم باشد که اینها کسانی بودند که با عقاید دینی و با احساسات برخاسته‌ی از عقیده‌ی دینی و تأیید شده‌ی به‌وسیله‌ی عقاید دینی‌شان مبارزه می‌کردند و می‌جنگیدند.

امیدواریم ان شاء الله خداوند به شماها توفیق بدهد. مراقب باشید تفکیک بشود بین آن کسانی که صادقانه، خالصانه، برای خدا در مبارزات حقیقی و آنچه می شود آن را جهاد نامید شرکت کردند، با آن کسانی که نه، اغراض دیگری داشتند. به هر حال امیدواریم که گذشتگان خدوم و ارزشمندی که در همه ی بخشهای کشورمان بودند، ان شاء الله خداوند با اولیائش محشور کند، درجاتشان را عالی کند، گناهانشان را بیامرزد؛ و شماهایی را که هستید توفیق بدهد که ان شاء الله بتوانید آن عقب افتادگی های قبلی را جبران کنید؛ و ان شاء الله بتوانید از علمای بزرگ، از شخصیت های برجسته، کسانی را در بین این مجموعه معرفی کنید. بله، در منطقه ی بروجرد و آن مناطق لرستان، شخصیت های برجسته و بزرگی از لرها وجود داشتند، ان شاء الله در بین بختیاری ها هم ما همین را شاهد باشیم. ان شاء الله موفق و مؤید باشید.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

مقدمه مؤلف

یکی از دشواری‌های شناخت تاریخ ایران، پرداختن به نقش زنان در برهه‌های مختلف است. در تاریخ پرفراز و نشیب وطن عزیز ما، زنانی بوده‌اند، که در همه عرصه‌های مبارزه با دشمنان خارجی و داخلی، حضور یافته و با درایت، کفایت و تیزهوشی خود، جبران برخی بی‌کفایتی‌ها و بی‌تدبیری‌های حکمرانان را نموده‌اند. استمرار نام انسان و شخصیت‌ها در گذرگاه پرفراز و نشیب تاریخ، مستلزم پیشرو بودن و ساختارشکنی‌های به هنگام افراد است. در این بین، جاودانگی نام اشخاص، فقط به مردان اختصاص نداشته است، بلکه زنان نیز با کارهای شجاعانه خویش، توانسته‌اند از اثربخش‌ترین عناصر تاریخی یک قوم یا کشور شناخته شوند. زنانی که علیه تفکر نادرست جامعه قد علم کرده و اراده‌های مردانه را در راه دشوار پرچمداری از آزادی و سرافرازی ایران، میخکوب کرده‌اند.

اوضاع نابسامان گذشته ایران، زندگی زنان و مردان را به طور یکسان تحت تأثیر قرار داده است، اما با نگاهی به اسناد و مدارک برجای مانده مشخص می‌شود که، از نقش آفرینی و مبارزات زنان در عرصه تحولات تاریخی،

اجتماعی کشور، کمتر سخن رفته است. در بسیاری از مکتوبات موجود نیز، به جای نام اصلی زن مذکور، خواهر... و مادر... و دختر... آمده که کار پژوهشگران را با دشواری مواجه کرده است. در این نوشتار، زندگی یکی از زنان نامور تاریخ معاصر ایران، بررسی شده است.

سردار بی‌بی مریم بختیاری که در این کتاب، به اختصار، بی‌بی مریم نامیده شده، چهره‌ای ممتاز است که، همواره از او در کنار سرداران رشید ایرانی بختیاری، به عنوان زنی برجسته و تأثیرگذار و بی‌بدیل، یاد شده است. اندیشه تدوین کتاب، پس از کار بسیار مهم و چاپ کتاب ارزشمند خاطرات سردار بی‌بی مریم، توسط آقای غلام‌عباس نوروزی در ذهن نگارنده ایجاد شد در حالی که هیچ پژوهش و سندی در دسترس نبود و به قول مرحوم باستانی پاریزی، تصمیم به انجام این گونه پژوهشها به مانند جستجوی سوزن در کاهدان است.

طی ده سال کنکاش و تورق هزاران هزار برگ نوشته و مراجعه به موزه‌ها و پژوهشگران برجسته و همچنین مراکز اسناد، سرنخهایی به دست آمد، ولی تکمیل‌کننده همه این اقدامات، همکاری ارزشمند خانواده محترم این سردار بزرگ بود و اگر این همکاری نبود، این کتاب بدون اسناد مهم آن، فاقد ارزش بود.

در آغاز کتاب، منابع و مآخذ، بررسی شده و در بخش اول، به زندگی‌نامه و خاندان او پرداخته شده است. علت تفصیل درباره خاندان وی، اهمیت نقش آفرینی (پدر، برادر و فرزند شهیدش) در تاریخ معاصر ایران، بوده است. در بسیاری از موارد و به ویژه در بخش اول، از کتاب خاطرات وی بهره برده شده، زیرا منبعی موثق‌تر از نوشته‌های او به دست نیامد.

بخش دوم کتاب، به انقلاب مشروطه و جنگ بین‌الملل اول، پرداخته است. در مورد حضور قطعی بی‌بی مریم در تهران و در زمان انقلاب مشروطه، سندی بجز کتاب تاریخ بختیاری (اوزن بختیاری) و گفته‌های ثقی اعزاز یافت نشد. اما در مورد مدیریت و ایفای نقش او در انقلاب مشروطه، خاطرات وی و

همچنین تلگراف مهمی که خطاب به فتح‌الله خان (همسرش) پس از شکست دادن دشمنان مشروطه در کاشان، ارسال شده، وجود دارد.

در مورد ایفای نقش او در جنگ بین الملل اول، حمایت از آلمان، عثمانی و متحدین آنها که منجر به دریافت مدالها، لوحها، هدایا و نامه‌های زیادی از طرف امپراطور آلمان، عثمانی، اتریش و نایب‌السلطنه ایران و حاج آقا نورالله نجفی اصفهانی (رهبر مشروطه اصفهان) شد، اسناد بسیار مهمی برای اولین بار در این کتاب چاپ می‌شود.

تفصیل بخش دوم، به دلیل آوردن دلایل و شواهد کافی جهت اطلاع خوانندگان گرامی بوده است.

وحید دستگردی (شاعر مبارز و وطن‌پرست) تنها کسی بوده که وقایع مربوط به نقش بی‌بی مریم در جنگ بین‌الملل اول و موضع‌گیری خصمانه افراد مختلف، در مورد جنگ و مبارزه وی با روس و انگلیس که پس از آن، منجر به غارت اموال و تبعید این زن رشید بختیاری شد، را به رشته تحریر در آورده است.

پژوهشگران، مورخان، خاطره‌نویسها، و افراد مختلفی در مورد آزادیخواهی، میهن‌دوستی و اقدامات شجاعانه و انسان‌دوستانه وی در برهه‌های سرنوشت‌ساز وطن، سخن گفته‌اند، هر آن چه به دست آمده، در این کتاب آورده شده است.

مطالعه اسناد و خاطرات به جا مانده از این سردار بختیاری، نشان می‌دهد، وی در کمال بی‌طرفی و انصاف سخن گفته و رفتار کرده است و از آنجا که بسیار مؤمن و خداپرست بوده، همواره تعالیم انسان‌ساز قرآن را نصب‌عین قرار داده و کوشیده از جاده عدالت، خارج نشود. هنگامی که از قیام آذربایجان به رهبری ستار خان و باقر خان سخن می‌گوید یا آنجا که از رفتار برادرانش انتقاد می‌کند و مکاتباتی که بین او و حاج آقا نورالله اصفهانی بوده است و یا بین همسر و برادرانش قضاوت می‌کند، مؤید اعتقاد عمیق وی به وحدت و همدلی و فداکاری جهت حفظ آزادی، استقلال، تمامیت ارضی و پیشرفت ایران است. مطالعه خاطرات و اسناد مربوط، نشان می‌دهد، او به عنوان

یک زن آزادیخواه، صلح‌جو، وطن‌پرست و مدافع حقوق زنان، همواره از حقوق شخصی خود و خانواده برای ایجاد وحدت و همدلی و پیشگیری از جنگ و خشونت، برای اعتلای وطن، گذشته و بسیار هزینه کرده است تا آنجا که خانه و کاشانه‌اش توسط روس و انگلیس غارت و ویران می‌شود و وی تبعید می‌شود.

رفتار و منش او بیانگر این شعر حماسی فردوسی بزرگ بود:

نمیشد همی نیک و بد پایدار	همان به که نیکی بود یادگار
دراز است دست فلک بر بدی	همه نیکی‌کن اگر بخردی
چو نیکی کنی، نیکی آید پرت	بدی را بدی باشد اندر خورت
چو نیکی نماید کیهان‌خدای	تو با هر کسی نیز، نیکی نمای
مکن بدی که بینی به فرجام، بد	ز بد، گردد اندر جهان، نام، بد
به نیکی نباید تن، آراستن	که نیکی نشاید ز کس، خواستن
وگر بد، کنی، جز بدی ندروی	شبی در جهان، شادمان، نغوی
نمانیم، کین بوم، ویران کنند	همی غارت از شهر ایران کنند
نخوانند بر ما کسی آخرین	و ویران بود بوم ایران زمین
دربخ است ایران که ویران شود	کنام پلنگان و شیران شود
چو ایران نباشد تن من مباد	بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه روی یکسر به جنگ آوریم	جهان، بر بداندیش، تنگ آوریم
همه سر به سر، تن به کشتن دهیم	به از آنکه کشور به دشمن دهیم
چنین گفت موید که مرده بنام	به، از زنده، دشمن بر او، شاد کام
اگر گشت خواهد تو را روزگار	چه نیکوتر از مرگ در کار زار

(فردوسی)

در این کتاب اسناد و تصاویری برای اولین بار منتشر می‌شوند، که از جمله می‌توان تصاویر سردار بی‌بی مریم، مدال‌های دریافتی، اسناد حضورش در جنگ بین‌الملل و انقلاب مشروطه، مکاتبه با علما و فقهای زمان خویش و اسناد دیگر که می‌تواند دستمایه پژوهشگران علاقه‌مند، قرار گیرد را نام برد. در این کتاب، تلاش شده، قضاوت و اغراق نباشد و وقایع، آنچنان که اتفاق

افتاده و اسناد بیانگر آن است، نوشته شود و قضاوت و تحلیل به خواننده واگذار شود.

طبیعی است که این نوشتار، مورد پسند و ذوق یکی و دلپذیر خاطر دیگری نباشد. اما سعی بر این بوده که، اسناد و مدارک، برای تاریخ، مفید واقع شود. بنابراین، با کمال تواضع و فروتنی، پژوهشگران و اندیشمندان ارجمند و گرانمایه را به یاری می‌طلبم و راهنمایی و نقد عالمانه ایشان را به جان خریدارم.

بدون تردید، بسیاری از مسائل مبهم، حل نشده و گره‌ها گشوده نشده، ولی زمینه جستجو برای پژوهندگان گرامی آماده است تا با دستیابی به مآخذ جدید و با هوشیاری و تلاش، پژوهشهای کامل‌تری انجام دهند.

دکتر پریچهر سلطانی

بهار ۱۳۹۴

مقدمه دکتر کیانوش کیانی هفت‌لنگ^۱

آثار ما به صفحه گیتی نشان ماست از بعد ما نگاه به آثار ما کنند
آیا تاریخ، چنانکه پاول والر^۲ می‌گوید، "خطرناک‌ترین پدیده‌ای است که
سحر اندیشه انسان قادر به خلق آن بوده است" و یا بر عکس، به نظر مارو^۳
"شایسته است آن را در عداد عالی‌ترین رسالت‌هایی به شمار آورد که انسان هم
خود را بدان مصروف داشته است."^۴

هر چند عمدتاً انتخاب، در میان این دو اظهار نظر متناقض صورت
می‌گیرد، ولی در نتیجه آن که "تاریخ دانش پیچیده‌ای است که برای وصول به
حقیقتی همیشه نسبی ناگزیر از پیمودن راههای ناهموار و پرپیچ و خم است"
چندان تأثیری ندارد.

در درازای زمان، تاریخ با شیوه‌های متفاوتی درک شده است. یعنی هر
نسلی به نوبه خود سنگی برای ایجاد این معبد باشکوه حمل کرده، اما باز هم

1. Kiani1335 @ yahoo.com

2. Paul Valery.

3. H. I. Marro.

۴. ساماران، شارل، روش‌های پژوهش در تاریخ، گروه مترجمان، آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۷۵.

بنای کلیو^۱ ناتمام مانده است.

امروزه می‌توان پذیرفت که تاریخ نیاز عمیق انسان متفکر است، و اگر حتی وجود نمی‌داشت، بناچار می‌بایست ابداع می‌شد.^۲

تاریخ به منزله‌ی شناخت گذشته‌ی بشر مبتنی بر مدارک و شواهد، رشته‌ای است علمی که به گفته‌ی "مارو" طی قرون متمادی تجربه‌ی غنی شده است.^۳ این علم مانند تمام علوم دیگر در حال تحول است و قابلیت تکامل دارد. تاریخ بدون وجود اسناد و منابع تاریخ موجودیت نمی‌یابد. منظور از منابع اسناد مکتوب، تاریخ شفاهی،^۴ اسناد دیداری - شنیداری و دیگر انواع اسناد است که هر کدام سنگ بنای یک پژوهش مستند را شامل می‌شوند.

با همه‌ی اینها سلامت نفس و نه بی‌طرفی و هنر نویسندگی و عالم بودن مورخ نیز در محصول نهایی بسیار اثر گذار خواهد بود.

در فرهنگ ملی و دینی ما ایرانیان، تاریخ از علوم برجسته و قابل تأمل و دارای جایگاه رفیعی است. حضور کتیبه‌ها و سنگ نبشته‌ها و نظایر آن از دوران ایلامیان تا ساسانیان در جای جای این سرزمین، حکایت از دلبستگی مردم به انتقال علم و دانش و تجربه و ثبت و ضبط وقایع و تمایل به یادگار گذاشتن آن برای نسل‌های بعدی دارد و این در حالی است که کتابها و اسناد فراوانی در رهگذر حوادث به دلایل گوناگون از میان رفته‌اند...

این بحث موسع و مشبع در حوصله این مقال نیست و پرداختن به آن به وقتی دیگر نیاز دارد...

در دوران اسلامی، اشاره به ماهیت و هدف و شیوه‌ی علم تاریخ از همان آغاز ظهور اسلام شروع شده است و تجلی آن را می‌توان در آیات و قصص قرآن کریم و در احادیث پیامبر (ص) و روایات ائمه معصوم (ع) دریافت. شروع تاریخ‌نگاری در کتاب فلسفه‌ی تاریخ ابن خلدون اینگونه آمده است "حرفه‌ی تاریخ‌نگاری در اسلام با جستجو و گردآوری و نقل اخبار و احادیث درباره‌ی رویدادهای خاص آغاز گردید".

۲. ساماران، همان منبع قبلی.

۱. رب‌التويع تاريخ و اشعار حماسی.

این اخبار نخست سینه به سینه نقل می‌شد و چون نوشتن آنها رفته رفته معمول شده، در آغاز، این کار صرفاً با یاری حافظه انجام می‌شد. مورخ می‌کوشید تا صلاحیت راویان اخبار و احادیث را محقق کند و درباره‌ی آنها اطلاعاتی به دست آورد. ابزار اصلی او برای این کار "علم الرجال" و فن "جرح و تعدیل" بود. او در آغاز هر خبر، زنجیره مراجع نقل (سلسله اسناد یا طرق تاریخی) آن را ذکر می‌کرد و اگر خبری از مراجع گوناگون به دست او رسیده بود، روایات مختلف را می‌نوشت و مأخذ هر یک را ذکر می‌کرد. این باور هم نزد محققان وجود داشت که "تواریخ، خزاین اسرار امور است..." چنان که اطباء از بیماری‌های گذشتگان که افتاده باشد و اطباء بزرگ آن را علاج کرده، دستور سازند و بدان اقتدا کنند و آن را امام دانند، همچنین وقایعی که افتاده باشد و سعادت‌ی که در عهد گذشته مساعدت نموده، اسباب آن را بدانند و از آنچه احتراز باید کرد، احتراز کنند... و هر کدام از علایم تواریخ اعتراض کند، دست زمانه بر وی دراز شود... لاجرم که در تاریخ تأمل کند و در هر واقعه که او را پیش آید، نتیجه عقل جمله عقلای عالم به وی رسیده باشد و دست غوغا و لشکر وقایع و حوادث از تاراج ذخایر فکرت او بسته باشد.^۱ و یا در تعبیر ابن خلدون آمده است که: "بدان که فن تاریخ را روشنی است که هر کس بدان دست نیابد و آن را سودهای فراوان و هدفی شریف است، چه این فن ما را به گذشته‌ها و خوی‌های ملت‌ها و سیرت‌های پیامبران و دولتها و سیاست‌های پادشاهان گذشته آگاه می‌کند."^۲ همچنین درباره‌ی اهمیت تاریخ آمده است: بدیهی است که علم تاریخ و دانستن اطوار و ادوار زندگانی پیشینیان به ویژه طبقات علما و اهل فضل و دانش از ایشان از مهمات عقلیه و نقلیه بوده و یک قسمت عمده از آیات شریفه‌ی قرآنی به همین موضوع تخصیص داده شده و قلم و رقم از احصای مزایای آن قاصر و همین بس که احیای آثار و پیشینیان و سلف، تأمین حیات آیندگان و خلف و به مثابه‌ی احیای خودشان و بهترین

۱. بی‌هقی دبیر، خواجه ابوالفضل محمد بن حسین، تاریخ، به تصحیح علی‌اکبر فیاض، هرمس، تهران، ۱۳۸۷.

۲. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۳۶.

وسیله‌ی تجربه و عبرت ایشان است و توان گفت که در حقیقت عمر ایشان را با عمر خود توأم کردن و چندین عمر بر خود افزودن است. قاضی ناصح‌الدین ارجانی احمد بن محمد، در اهمیت این مطلب اشعاری سروده است که معنای آن چنین است: با فکر کردن در امتهای گذشته و ادوار زندگانی ایشان تصور می‌کنی که آن فکر کننده، مدتهای دور و دراز در میان ایشان بوده است. هم چنین یادگار گذاشتن ذکر خیر و نام نیک در میان آیندگان مثل آن است که هم زنده و خودش در میان ایشان زندگانی می‌کند. از اینجا معنی این جمله (عش ابداً) که در مقام دعای خیر به دیگران می‌گویند، ظاهر و روشن گردد. حاصل معنی آنکه دانستن تاریخ زندگانی پیشینیان مثل آن است که از اول دهر تا زمان خودش زنده بوده و یادگار گذاشتن ذکر خیر مثل آن است که حیات خود را تا آخر الزمان ادامه داده است... او شعری دیگر سروده است به این مضمون که:

کسی که ادوار زندگانی گذشتگان را دانسته و اثر علمی یا مالی به یادگار گذارد که بعد از مردنش وسیله‌ی ذکر خیر او گردد، مثل آن است که ابدالدهر از اول دنیا تا آخرش در قید حیات بوده است.^۱

درباره‌ی فواید علم تاریخ نیز آمده است: بدان که علم تاریخ علمی است مشتمل بر شناختن حالات گذشتگان این جهان، که چون اهل بصیرت به نظر اعتبار بر مصداق "فاعتبروا یا اولی الابصار" نگاه کنند به دلایل عقلی که: "فاعتبروا یا اولی الالباب" بدانند، که احوال مردم حال را مآل کار بر همان منوال خواهد بود و غرض از آن مجرد قصه خوانی و خوش آمد طبع و هوای نفسانی نباشد، و غرض کلی و مقصود اصلی بر آن باشد که داشتن آن فایده‌ی دین و دنیا حاصل آید که اگر: در فواید علم تاریخ، آشنایی با نسل‌ها و توطن گزیدن آنها و انقضای عدد و اوقات حاضر و در گذشت بزرگان و تولد آنها و روات آنهاست، با علم تاریخ، دروغ دروغگویان و راستگویی راستگویان

۱. ریحانة الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او القلب، یا کنی و القاب، تألیف میرزا محمّدعلی مدرس.

شناخته می‌شود.^۱

در هزاره سوم و با گذر زمان نه تنها از اهمیت تاریخ کاسته نشده بلکه هر روز هم بر اهمیت و عناصر و ابزار شناسایی آن از جمله کتیبه‌ها، اسناد کتبی و شفاهی، نسخه‌های خطی، سکه‌ها، اسناد دیداری و شنیداری و نظایر آن افزوده شده است و دامنه تاریخ نیز گسترده‌تر شده و به تقسیمات متعددی در آمده است. از جمله تاریخ شفاهی، تاریخ محلی، تاریخ خاندانی و شجره‌شناسی و نگارش رمان‌های تاریخی و... هر روز نیز بر این دامنه افزوده می‌شود... زندگی‌نامه‌نویسی^۲ و سرگذشت‌نامه‌نویسی هم از همین منظر قابل توجه و اهمیت است... در اینجا باید به یک نکته مهم اعتراف و اعتراض نمود که نوشته‌های پیشینه از بانوان، بسیار معدود است و معمولاً در تذکره‌ها و مجموعه‌ها از آنهایی ذکر شده است که سراینده بوده‌اند.

در این سی و چهار سال اخیر، اطلاعاتی درباره‌ی نویسندگی (جز سرایندگی و خوشنویسی) آنان به دست آمده است.^۳... از زمانی که این طبقه، توانسته‌اند، تحصیل سواد کنند - یعنی آنها که نوشتن را آموخته‌اند - روز به روز بر شمار نوشته‌هایشان افزوده شده است.

اکنون بانوانی را می‌شناسیم که در بسیاری از زمینه‌های علمی، دارای تألیفاتند و مخصوصاً در رشته‌های مربوط به علوم انسانی و نویسندگی‌های آفرینشی، آثار ماندگار به عرصه و عرضه می‌رسانند.

اگر بخواهیم نویسندگی بانوان را به صورت سالشماری مورد سنجش قرار دهیم، می‌توان چهار دوره را در نظر گرفت:

۱. پیش از عصر ناصری که دوره خاموشی آنان در نشرنویسی است - یا نوشته‌هایشان از میان رفته است صاحبان ذوق و کمال از میان آنان، شعر سروده‌اند - که در دیوانها و تذکره‌ها، نمونه‌هایی باقی مانده است. تاکنون تنها

۱. المشاریح فی علم التاريخ، سیوطی، تحقیق دکتر محمد بن ابراهیم الشیبانی، کویت، ۱۳۳۹ هـ (اغلب منابع دوره اسلامی از کتاب علم تاریخ در اسلام نوشته دکتر صادق آینه‌وند استفاده شده است).

2. Biography.

۳. مقاله: افشار، ایرج، نوشته‌های زنان دوران قاجار، مندرج در "گلزار خاموش" به کوشش محمد گلین، تهران، ۱۳۷۹.

نوشته‌ی منثوری که از زنان فارسی‌نویس در دست داریم، خاطرات گلبدن بانو، دختر بابر و خواهر همایون پادشاه است که به نام "همایون نامه" طبع شده است. چون او فارسی زبان از خاندان جغتائی و از سلسله‌ی خاندان پادشاهان مغولی هندوستان است، در زمره‌ی بانوان ایرانی به شمار در نمی‌آید؛ ولی بانوی نامور و نویسنده‌ی زبان فارسی است. ناگفته نماند که خوشنویسانی هم از این طبقه، در دوره‌ی سلطنت فتحعلی شاه بوده‌اند.

۲. از عصر ناصری تا دوره مشروطیت، خوشبختانه نمونه‌هایی به صورت سفرنامه‌ی منثور از قلم بانوان در دست است.

۳. از دوره‌ی مشروطیت تا شهریور ۱۳۲۰ که آغاز ورود زنان به جرگه‌ی روزنامه‌نویسی و تألیف کتاب است.

۴. از شهریور ۱۳۲۰ به بعد که مظاهر نویسندگی آنها را، در همه‌ی زمینه‌ها در دست داریم.

۵. از سال ۱۳۵۷ و به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی، حضور بانوان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و از جمله در عرصه‌ی نویسندگی و شعر و رمان‌نویسی، پژوهش‌های گوناگون چشمگیر و پر حاصل بوده است.

در اینجا ضروری است که به این نکته مهم اشاره شود که تاریخ‌گرایی در میان بختیاریان از دیرباز ریشه در سنت‌ها و آداب قوم داشته است. مهم‌ترین انگیزه‌ی توجه بدان، شناخت و حفظ بنیادهای تبار و نژاد به عنوان یکی از وجوه مهم در ارزش‌ها و امتیازات کهن ایللی است. چیزی که در واقع پدیدآورنده‌ی حس تاریخی‌گری و نگاشتن تبارنامه‌ها و ثبت اخبار و وقایع ایام در میان پیشترینه‌ی اقوام کهن است.

طی سده‌ها که می‌تواند سابقه‌ی آن به هزاره‌ها نیز پیوندد، سوادمندان هر تش یا طایفه رویدادها، زاد و مرگ و حوادث مهم سال را در طومارگونه‌هایی نوشته، در میان نایبند نهاده یا قبر طبیعی یا انگم (صمغ) آن را آب بند کرده، برای ماندگار ساختن و آگاه ساختن و آگاهی آیندگان در مسیر کوچگذر

سالیانه درون اشکفت‌های مراورید و هلاگون و اشمره می‌گذاشتند. این کار ممکن است از نظر کسانی که امروزه از دیدگاه‌های به تشخیص خویش علمی که به عشایر و گذشته‌های آنان چونان اقوامی بدوی می‌نگرند، شگفت‌انگیز و ناباورانه آید، اما بهر حال واقعیت چنین بوده است. هم اخبار آن به تواتر رسیده و هم تا چندین سال پیش که سالمندان ایل به یاد می‌آوردند، برخی از این نی‌آکندها به صورت پوسیده و خط سترده بر اثر نم‌آب و گزندهای طبیعی از نهفت لایه‌های غبار گذشت زمان و از دل خاک به دست می‌آمده است.^۱

درباره دلبستگی بختیاری‌ها به تاریخ و فرهنگ و ادب و وجود امثال‌الحکم و کنایات و استعارات کتابها گر نوشته شود اندک است. هر چند شناخت نادرست و دانش اندک از میراث فرهنگی و سوابق و گذشته تاریخی عشایر است که غالباً تصویری ناشایست از بساطت و نافرهیختگی و بدوی‌گری و ناداشت آثار مدون و مکتوب فرهنگی نسبت به ایل‌وندان پدید آورده و القاء کرده و تعمیم داده است. نام بردن از فرهیختگان، دانشمندان، ادبا و شعرا و نویسندگان بختیاری فهرست بلند بالایی خواهد بود که مایه مباهات است... بخشی از آن در تذکره‌های عمومی آمده است، چندان که عمان سامانی تذکره مفصل مخزن‌الدور را در سال ۱۲۸۵ ه‍.ق در احوال مردان و زنان سخور بختیاری پرداخته است. دلبستگی به آثار ادب فارسی در بین ایل‌نشینان تا به حدی است که کمتر کسی از باسوادان و افراد عادی بوده و هست که با شاهنامه، دیوان حافظ و آثار نظامی آشنا نباشد. خواندن خسرو شیرین و هفت لشکر بخش مهم از ادبیات آهنگین بختیاری است. که البته بخش مهم‌تر آن در ادبیات زندگی و کار از جمله شادمانه‌خوانی‌ها، سوگ‌سرودها، سرکوهی‌ها، برزگری‌ها و نظایر آن دیده می‌شود.

نکته مهم آنکه برخی از ایل بانوان (Wilson, 1907) عموماً فرهیخته و ادب‌ور و بخصوص تاریخ‌دان بوده‌اند. حتی نخستین خاطرات و سفرنامه‌هایی که تاکنون از یک بانوی ایرانی سراغ است نوشته حاج بی‌بی کوکب بختیار

۱. عکاشه (ضیغم‌الدوله بختیاری)، اسکندر خان، مقدمه دکتر مظفر بختیار، ویراستار: مرید مرادی، تهران، ۱۳۴۵.

است، در شرح فرنگستان همراه با همسر خود فتحعلی خان سردار معظم که بیش از یک قرن پیش به ضرورتی پیش آمده بود، در این سفرنامه بخصوص آگاهی و تیزبینی و خودناباختگی و بی‌اعتنایی نویسنده در برابر ظواهر مردم فریب و کوشش در حفظ شعائر و آداب و سنن ایرانی و مذهبی بسیار قابل توجه است.

بدین ترتیب ادبیات خاطره‌نویسی و نگاشتن تاریخ و رخدادهای ایل نزد بختیاران به نسبت یکی از مجموعه‌های سرشار در این زمینه است و یاری‌دهنده پژوهشگر برای تدوین مواد تاریخ بختیاری که به قول گارث ویت همواره جوینده را به کام و نا بکام می‌دارد.^۱

شاید این بار آثاری را که بی‌بی مریم با شخصیت چند وجهی خود در تاریخ محلی و ملی ما بر جای گذاشته است و دستمایه کتابی است که اینک در دست شماست و حاصل رحمت و کوشش‌های دکتر پریچهر سلطانی بانویی فرهیخته از ایل بختیاری است با تباری به درخشش زر ناب، عطش پژوهشگران و جویندگان را سیراب نموده و آنها را کامیاب سازد. با مطالعه کتاب در می‌یابیم که بی‌بی مریم شخصیتی است که در نگاه اول کمتر می‌نماید ولی همین که به او نزدیک‌تر می‌شویم، همچون کوهی یخی قله‌اش را می‌توان دید، هر چند که هنوز هم اطلاعات اسناد و مدارک دیگری باید از صندوقچه‌ها بیرون آیند تا بتوان وجوه دیگر شخصیتی این ایل بانوی گرامی سربلند و سردار مفتخر و بی‌بی بی‌همتا را بیش از پیش شناخت و به دیگران شناساند.

پژوهشگر کتاب تلاش بسیاری در هویدا کردن چهره واقعی بی‌بی مریم بکار بسته است. از اسناد و کتاب‌هایی که در باره او به رشته تحریر درآمده است که البته تعدادشان از انگشتان یک دست هم کمتر است، استفاده نموده و اثری نو را خلق کرده است. بی شک نقطه‌ی قوت این کتاب نیز استفاده از همین اسناد و مدارک و عکس‌های دست‌اول است که کتاب را به مرجعی برای

1. Gene R. Garthwaite, Khans and Shahs, A documentary analysis of The Bankhtiyari in Iran. Cambridge university press: 1983.P.4.

تحقیقات و پژوهش‌های آتی تبدیل خواهد ساخت.

ضمن ارج‌گذاری به تلاش ایشان فرصت را مغتنم شمرده، از تمامی فرهیختگان و اهل قلم بختیاری در تمام زمینه‌های علمی درخواست دارد که به تاریخ بنگرید و پاسخ این سوال را دریابید که چرا بختیاری که در تمامی عرصه‌ها و صحنه‌ها و کوچه پس‌کوچه‌ها و دهلیزهای تو در توی تاریخ ایران حضور فعال و مؤثر داشته و نقش‌آفرینی کرده است، کمتر در کتاب‌ها و اسناد و آثار فرهنگی تبلور یافته و بازتابیده شده‌اند. شاید یکی از پاسخ‌های این سوال آن باشد که ما خود آن حوادث و وقایع را ننوشتیم و در مواردی دیگران آن را نوشته و آن طور که خود خواسته‌اند، وقایع را معرفی کرده‌اند و ای بسا که در این رهگذر، تحریف‌ها و کم و کاستی‌های فراوانی بوجود آمده باشد.

امروزه اگر درخواست می‌شود تا صاحب‌نظران به ویژه جوانان پر انرژی سخت‌کوش علاقمند در هر عرصه‌ای قلم به دست بگیرند و بنگارند آنچه را که می‌بینند و می‌شنوند و می‌خوانند و می‌دانند شاید برای جبران این نقیصه تاریخی باشد تا دیگر، آیندگان چونان ما دچار کمبود و فقدان منابع نباشند. از سوی دیگر (تاریخ شفاهی) به عنوان یک شاخه علمی جدید در علم تاریخ، به ما گوشزد می‌کند که تا هر چه سریعتر به سراغ سالمندان و مطلعان و شخصیت‌های سرآمد و تأثیرگذار بختیاری در هر کجای جهان برویم و دانسته‌های آنان را از دل سینه‌ها و عمق وجود آنان بکاویم و ثبت و ضبط کرده و نهایتاً بنگاریم. مطمئن باشیم که آینده به این کوشش‌ها و تلاش‌هایمان، پاداش لازم را - که همانا غنی‌سازی، تبیین و تدوین تاریخ واقعی بختیاری است - خواهد داد.

به امید آن روز

دکتر کیانوش کیانی هفت‌لنگ

تهران: شهریور ۱۳۹۳